

## «بازیووو» از فردا در سینماهای سراسر کشور



در آستانه اکران فیلم سینمایی «بازیووو» به کارگردانی امیرحسین قهرایی و تهیه‌کنندگی سیدغلامرضا موسوی، آژانس این فیلم رونمایی شد. بازیووو در ژانر سینمایی کودک و نوجوان، موفق به دریافت چهار جایزه پروانه زرین بهترین کارگردانی، دبیلیم، افتخاربهترین فیلمنامه، جایزه ویژه

کسب و کار و تندیس مرکز توسعه سینمای کودک از سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان است. یژمان بازیژی، برزو ارجمند، محمدرضا هدایتی، لیندا کیانی، سحر زکریا، مجید افشاری و رضا شفیعی‌جم با همراهی بازیگران کودک: ایلپا نصرالهی، هلیا صمدزاده، آراین دهقان نژاد، محمدهادی جعفری، حانه آجرلو، فرید احمدی، ویهان معراجی در این فیلم نقش‌آفرینی کرده‌اند.

نگاهی به حضور حرفه‌ای امیر جدیدی در سینما، تئاتر و اسکار

# گذر سیاوش وار از آتش نقش‌ها

تزارش شخصی: امیر جدیدی



علی‌رستگار گروه فرهنگ و هنر

سینمای ایران دیربِه درِستاره‌ می‌سازد و شاید تعداد ستاره‌های نو ظهور و جوانش به انگشتان دو دست و حتی یک دست هم نرسد. این باعث می‌شود دایره انتخاب‌ها برای نقش‌های اصلی محدود باشد و مخاطبان هم چند بازیگر تکراری و همیشگی را در بیشتر آثار ببینند. اتفاقی که هم باعث حضورهای تکراری بازیگران و تبدیل آنها به کلیشه می‌شود و هم به دلیل تقاضاهای زیاد از سوی تهیه‌کنندگان و کارگردانان که به دلیل بازگشت سرمایه چندان اهل ریسک و انتخاب‌های تازه نیستند، باعث ایجاد افزایش دستمزدها به شکل نامتعارفی می‌شود و موازنه حقوق را در سینمای تحیف ایران برهم می‌زند. عجیب هم است که با وجود این همه دانشگاه و کلاس بازیگری، هرساله و حتی دو سه سال یک بار با خروجی مناسب و چهره‌های مستعد تازه‌ای در سینمای ایران مواجه نیستیم. بازیگران مستعد جدید البته کم نیستند و حضورشان را در تئاتر، سینما و تلویزیون می‌بینیم، منظور بازیگرانی در حد و اندازه ستاره هستند که بتوان با اطمینان خاطر، نقش‌های مهم و اصلی فیلم‌ها را به آنها سپرد.

یکی از معدود ستاره‌های سال‌های اخیر سینمای ایران امیر جدیدی است که با لحن و فیزیکش، به سهام خود یک ظرفیت به بازیگری این سینما اضافه کرد. قد و قامت و استایل ورزیده و نحوه حرف زدنش، در سینمای بعد از انقلاب، چندان نمونه و مابه‌ازایی ندارد و بیشتر یادآور برخی ستاره‌های فیلمفارسی و سینمای پیش از انقلاب است. با این حال دشواری کار او در این است، همان قدر که به دلیل این ویژگی‌های تقریباً منحصر به فرد- در مقایسه با چهره و صدا و فیزیک بازیگران و ستاره‌های هم‌سلسل- امکان پیشنهادهای مختلف دارد، باید تن به هر انتخابی هم ندهد و همچنین از بازی‌های تکراری با توجه به این مختصات خاص و مستعد کلیشه‌شدن، پرهیز کند. جدیدی اما خوشبختانه هوش بازیگری هم دارد و تجربیات در تئاتر، بازی در نقش‌ی سی‌سره متفاوت با فیزیک و توانمندی‌های بدنی‌اش در فیلم قهرمان و بازی و کارگردانی در کنسرت نمایش سی‌مد که این روزها در کاخ سعدآباد اجرا می‌شود، نشان می‌دهد او برای بقا و ادامه در این سینما، نمی‌خواهد پابند تکرار و محدودیت‌ها باشد و جسورانه مشتاق مواجهه با عرصه‌های تازه است.

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد بعد از فیلم «شی‌که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیاری که به ماجرای خانواده ریگی می‌پرداخت، یک سال بعد فیلمی تقریباً با همان موضوع و سوزِ ساخته شود اما «روز صفر» به کارگردانی سعیدملکان، در فضایی متفاوت با ساخته آبیاری، روی عبدالملک ریگی و نحوه دستگیری او متمرکز شد. هر قدر، «شی‌که ماه کامل شد»، به نفع قاصه‌شاقنه فائزه، چندان نقش ماموران اطلاعاتی را پررنگ نکرد. اساس و تکیه‌گاه روایت در «روز صفر»، روی تلاش‌های شبانه‌روزی ماموران برای دستگیری ریگی بود. این فیلم که سعی می‌کند منطبق بر الگوها و ساختار فیلم‌های تریلر و جاسوسی و اطلاعاتی واکنش سینمای جهان پیش برود و تا حد زیادی هم موفق می‌شود نمونه‌ای جذاب و مهیج و قابل تامل بسازد، نیاز به قهرمانی داشت که دست مخاطب را بگیرد و با خود به دل ماجرا ببرد و برای این سفر پرماجرا و هیجان‌انگیز چه انتخابی بهتر از امیر جدیدی. اگرچه برخی مخاطبان مأموری با ویژگی‌های جدیدی را چندان منطبق بر واقعیت نمی‌دانستند اما اگر این مختصات پهلوانی را در ساخت قصه فیلم که اندکی با خیال‌پردازی و داستان‌گویی هم همراه است، آن وقت این اغراق‌های گفتاری و رفتاری جدیدی شیرین و جذاب جلوه می‌کند و در ترکیب با فیزیک و توانایی بدنی او برای اجرای صحنه‌های اکشن، موجب همراهی و خوشایند تماشاگر می‌شود. در فیلمی با روایت کلاسیک نیاز به قهرمانی شش‌دانگ و کلاسیک با اغراق‌های مرسوم سینمایی هم است که سیاوش وار از آتش حوادث عبور کند و حقایقتش در قهرمانی را به اثبات برساند.

سعیدملکان با شناخت استعداد و توانایی جدیدی، به بهترین شکل از شمایل‌آشنای او بهره می‌برد و با چنین قهرمان سربلندی «یاد شهدای ترور ایران» را زنده نگه می‌دارد و به سهم خود بخشی از خطرات مدامی که سربازان وطن با آنها مواجهند را به تصویر می‌کشد. نقش مامور اطلاعاتی و امنیتی که وظیفه دستگیری یک تروریست را به عهده داشت، به جز ایجاد

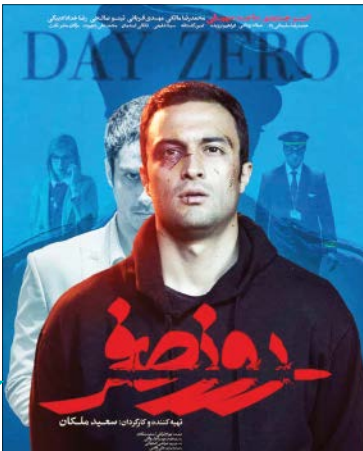
فیزیک، از نظر روحی هم بر جدیدی نشست، طوری که از شعرهایی که او همراه برخی تصاویر خودش در روز صفر در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام در این زمینه منتشر کرده، می‌توان بی به همذات‌پنداری او با چنین قهرمان‌های گمنامی برد. «ما زنده به آتیم که آرام نگیریم / مویجم که آسودگی ما عدم ماست» یا «چه سرفراز کسی کاو به صحنه پیکار / ز مرگ در ره حفظ وطن نپرهیزد» اشعاری که به نوعی مابه‌ازای آخرین دیالوگ‌های جدیدی در روز صفر هم است که صدای برپرتینیش را روی چهره زخم‌خورده قهرمان می‌شنویم؛ «با لایحه به روز اتفاق میفته. وقتی دارم تو کوچه قدم می‌زنم یا به گوشه نشستم یا دارم تو خیابون رانندگی می‌کنم، حس نمی‌کنم یه اسلحه پیشونی‌مو نشونه گرفته. کمتر از یک ثانیه طول می‌کشه. ولی تو اوون یک ثانیه فقط دارم به این فکر می‌کنم کاش به جوری بزنه که مردم صدای شلیکو نشنون. صدای شلیک بدجوری می‌ترسونتشون. زندگی‌کردن تو وحشت، حق شون نیست. قرار بود جنگیدن فقط سهم ما باشه. اصلا کاش وقتی بزنه که رو دامن دماوندت باشم یا وسط خزرت یا خلیج فارس یا به جای که تو بیشتر از همیشه باهام بودی. بزنه و همه این کابوس‌ها رو تموم کنه. فقط خیالم راحت باشه که همه تو خیابونا دارن راحت قدم می‌زنن و می‌گن و می‌خندن و... اون‌وقته که دیگه منم آرام می‌شم، به‌ی‌دل سیر بغلت می‌کنم و راحت تو خاکت می‌خوابم.»

### غریب‌سرخ

از همان مصرع «سی پاره منم ترکه چل کن» در بیوی صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام و انتشار اشعار عرفانی شعرای بزرگ ایران هم می‌شد به برخی علقه‌ها و دبلیستگی‌های امیر جدیدی پی برد. بنابراین این‌که او از سر عشق و علاقه و از سر تجربه‌اندوزی، سراغ کارگردانی کنسرت- نمایش سی‌صد با همین حال و هوا و ضرورت حفظ گنجینه‌های شعر و ادب فارسی همچون شاهنامه فردوسی رفته، نباید چندان محل



در جشنواره گن



روز صفر



قهرمان

بازیووو داستان مایان، مخترع بازی‌ها و خالق سرزمین بازیووو است که برای نجات سرزمینش از چنگال سیلوس، به دنبال پیدا کردن قهرمانی از میان بچه‌هاست اما ژوبین، پسر بچه دست و پا چلفتی بدترین انتخاب ممکن برای این کار است. برخی عوامل فیلم عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: سهیل نوروزی، تدوین: امیر شبیان خاقانی و نویسنده: سلمان خورشیدی. / جام‌جم



برای دیدن پی‌اچ اسکانس‌های فیلم کوآرکد را اسکن کنید

جام جم

سینما

CINEMA

۹

سینما

CINEMA

سه شنبه

۱۴ تیر ۱۴۰۱

شماره ۶۲۵۴

### سینمای جهان

## افشاگری ایوان مک‌گرگور غیر آمریکایی‌ها در هالیوود خودی نیستند



کیکاوس زیاری گروه فرهنگی

ایوان مک‌گرگور، بازیگر انگلیسی‌تبار نقش اوبی وان کنوبی مجموعه علمی-تخیلی «جنگ ستارگان» هم با شکستن سکوت خود، درباره تنگ‌نظری‌ها و حسادت‌های پشت‌پرده هالیوود صحبت می‌کند. او چند روز بعد از آن‌که برادلی کوپر در این رابطه افشاگری کرد، از تجربه تلخ خود در صنعت سینمای آمریکا یاد می‌کند. مگرگرگور برخلاف کوپر که نامی از فرد اهانت‌کننده به زبان نیاورد، طرف مقابل خودش را معرفی می‌کند. این هنرمند حسود هم کسی نیست جنتری گیلیام، فیلمساز قدیمی، مگرگرگور در این مورد می‌گوید: «زمان کار در هالیوود خیلی زود متوجه این نکته می‌شوید که بسیاری از همکاران تان قصد دارند شما را به چالش بکشند. این اتفاقی نادر در این صنعت نیست. اوایل کار از این بابت احساس ناراحتی و ناامنی می‌کردم اما خیلی زود متوجه شدم حسادت و بدگویی، بخش مهمی از این سینماست و باید به آن عادت کرد. این موضوعات مثل تکه‌هایی از بدنه هالیوود و بخشی جدایی‌ناپذیر از آن به حساب می‌آیند، یکی از این موضوعات که به باور من حکم یک انتقاد بی‌ادبانه و گستاخانه را داشت. از سوی تری گیلیام نثار من شد.» این انتقاد بی‌ادبانه مربوط به کارنامه کاری بازیگر و فعالیت‌های بازیگری‌اش می‌شود.

### هاج و واج مانده‌بودم

مگرگرگور در ادامه می‌گوید: «قرار بود در فیلم «مردی که دن کیشوت را کشت» گیلیام بازی کنم. حالا کاری به این ندارم که این فیلم هیچ وقت به مرحله تولید و فیلمبرداری هم نرسید. به دیدن کارگردان رفتم تا درباره فیلمنامه و قرارداد صحبت کنم. باورم نمی‌شد چشم در چشم من بدوزد و مستقیماً به من اهانت کند. بدون مقدمه به من گفت: «این فیلم‌های مسخره چیست که تا امروز بازی کرده‌ای؟ ا نه فقط این فیلم‌ها سطحی بوده‌اند، که بازی خودت هم در آنها سطحی تر بوده‌است.» آن آدمی که در «ترانسپوتینگ» بازی کرده‌بود، چه شد و کجا رفت؟ برای چند دقیقه هاج و واج مانده‌بودم که به‌کنکم چه بگویم.» البته مگرگرگور در ادامه توضیح می‌دهد که این نوع برخوردهای بی‌ادبانه باعث شد کار بازیگری را جدی‌تر بگیرد و تلاش کند تا نقش‌های بهتری را در فیلم‌های بهتری بگیرد. بازیگر در مصاحبه خود به این موضوع هم اشاره می‌کند که میزان حسادت و تنگ‌نظری هالیوود نشینان نسبت به بازیگران غیرآمریکایی بسیار بیشتر است و آنها را به عنوان افرادی غیرخودی به حساب می‌آورند. این در حالی است که به گفته او، هالیوود روی دوش هنرمندان بین‌المللی و غیرآمریکایی استوار است و اگر آنها دست از فعالیت بکشند، کل صنعت فیلمسازی آمریکا زمینگیر خواهد شد. اظهارات مگرگرگور دنباله صحبت‌های چند روز قبل برادلی کوپر است که تحلیلگران هنری از آن به‌عنوان یک موج تازه افشاگرانه و جنجالی همچون جنبش «من هم» در رابطه با هالیوود اسم می‌برند. / ورایتی



### درنگ

## بازیگری با استایل جهانی

حضور با آن لباس رسمی و عینک آفتابی روی فرش قرمز جشنواره فیلم کن، درخشان و جلوه‌گرانه و یکی از معدود دفعاتی بود که از تماشای بازیگری ایرانی در آن فضا شرمسار نبودیم و سرمان بلند بود که ببینید چه بازیگر خوش‌تیپی داریم! استایل و شمایل امیر جدیدی تفاوت آشکاری با شخصیت و بدنش در فیلم قهرمان داشت و اصغر فرهادی موفق شده بود به معنی واقعی کلمه بازی متفاوتی از جدیدی بگیرد و از آن طرف جدیدی هم به خوبی توانسته بود، همه آن ویژگی‌های آشنایش در چهره، صدا و لحن و فیزیک را به نفع نقش رحیم سلطانی کنار بگذارد و جنبه‌ای دیده‌نشده از استعدادش را نمایش دهد. تفاوت تیپ جدیدی با کاراکترش در قهرمان در جشنواره فیلم کن به اوج خودش رسید و تماشاگران سینمای جهان با ستاره‌ای تازه از سینمای ایران آشنا شدند.

دعوت از او برای عضویت در آکادمی اسکار که به تاژگی صورت گرفت، از ثمرات درخشش در قهرمان و حضور در جشنواره کن است. از میزان آشنایی جدیدی به زبان انگلیسی اطلاعی نداریم اما امیدواریم او با تسلط به این زبان، امکان پیشنهادها و حضورهای جهانی و بازی در فیلم‌های معتبر سینمای دنیا را برای خود فراهم کند.

## زندگی و دیگر هیچ

همین چند روز پیش سی و دومین سالروز زلزله جافچه بارزو دبارو منجیل بود. یک تراژدی اساسی که با مرگ بسیاری از هموطنان ما همراه بود. عباس کیارستمی درواکنشی هنرمندانه به رویدار رفت و با روایت قصه‌ای سینمایی به جست‌وجوی بازیگران فیلم قبلی‌اش خانه دوست کجاست؟ (برادران احمدپور) پرداخت. او مثل همین عکس از پشت صحنه، با وجود مرگ و ویرانی از شور زیستن گفت و نشان داد حتی در سخت‌ترین و تلخ‌ترین شرایط و قهر طبیعت هم می‌توان زندگی کرد. واقعا هم چه اسم با مسمایی برای فیلمش انتخاب کرد: «زندگی و دیگر هیچ».

## این فروش شایسته «بی‌صدا حلزون» نیست

بهرنگ دزفولی‌زاده، کارگردان فیلم سینمایی «بی‌صدا حلزون» مطرح کرد که این فیلم به‌عنوان یک اثر فرهنگساز شایستگی فروش خیلی بیشتر از این را دارد. وی درباره وضعیت اکران فیلم خود هم توضیح داد؛ با توجه به فیلم‌هایی که در حال اکران است، فیلم ما ظاهراً در زمان خوبی اکران شده اما مشکلی که وجود دارد، این است که در حال حاضر ۱۵ فیلم روی پرده هست که فقط در ۳ تا ۲۵ سینما

در تهران وجود دارد. گویا مخاطبان ترجیح می‌دهند به سالن‌های کنسرت، سالن‌های نمایش و حتی رستوران‌ها با چندین برابر قیمت بروند و حتی احساس می‌کنم عدم استقبال از سینما، باعث شده فیلم ما هم تا به امروز فروش متوسطی داشته باشد. حمایت نکردن ارگان‌های دولتی، قیمت بالای بلیت، رشد بی‌رویه پلتفرم‌ها، این تصور ذهنی که هر فیلم پس از پایان بلافاصله با کمترین هزینه در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت و امثال این مسائل، باعث شده ما در جذب مخاطب سینما دچار مشکل شویم. / مهر



## اظهار نظر نصیریان درباره حذف ادبیات

علی نصیریان با تاکید بر این‌که زبان و ادبیات فارسی بخش عمده‌ای از هویت ایرانیان را تشکیل می‌دهد، هراقدامی‌را که سبب کم توجهی به ادبیات شود نامطلوب دانست.

خبر حذف دروس عمومی از کنکور سال ۱۴۰۲، آسیب‌های این اتفاق و هشدار برای کم شدن ساعت‌های آموزشی درس ادبیات، موضوعی بوده که در یکی دو هفته گذشته از نگاه تعدادی معلم، نویسنده و

شاعر بررسی شده و آنها در ارزیابی‌های خود گاه با بیانی تند و صریح و گاه با اشک و حسرت از پیامدهای کم‌توجهی به یکی از مهم‌ترین دروس آموزشی در مدارس یعنی زبان و ادبیات فارسی و نیز ضرر سنجش تستی این درس مهم در کنکور سخن گفتند. علی نصیریان هم با ابراز تاسف از شنیدن چنین خبری بیان کرد: زبان و ادبیات فارسی هویت و بخشی از شناسنامه ماست. شعر ما ۱۰۰۰ سال قدمت دارد و اینها میراثی بسیار ارزنده از لحاظ تفکر، اخلاق، زندگی و زبان است. هراقدامی که به حذف آموزش اینها منجر شود از نظر من نامطلوب است. / ایسنا

